

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

موسوی

۱۱/۰۱/۰۷

مکتی بر چونی و چندی بازسازی احاد "حدخا"

بخش سوم

به ادامه گذشته:

زمینه های مساعد برای بازسازی تشکیلات "حدخا":

گذشته از رهبری خاین و وطنفروش "حدخا" که هر یک بیش از ربع قرن تجربه کار سیاسی و تشکیلاتی را در انبان داشتند و برخی از کادر های آنها که در جریان حاکمیت آن حزب میهن فروش در پناه استخبارات شوروی آنزمان به فن سازماندهی و کار تشکیلاتی آشنائی و بلدیت کافی به دست آوردند، زمینه های مساعد دیگری نیز برای آنها وجود داشت تا بتوانند تلاش شان را به منظور دوباره سازی حزب بر آن پایه استوار نمایند، که به صورت مختصر در ذیل از آنها نام می بریم:

الف: رویکش ساختن اتحادیه های صنفی:

آنانی که به ماهیت اداره هائی از قماش اداره مستعمراتی "ببرک" و نجیب"- شیوه کار در اداره مستعمراتی کرزی بیشتر بر تکثیر و انکشاف انجو است تا گسترش اتحادیه ها- از نزدیک آشنائی دارند به خوبی می دانند که در همچو رژیم هائی که در ظاهر تمام زمام امور را "حزب" در دست دارد، روی دلایل متعددی از جمله "فریب مردم، کمر بند امنیتی و حفاظتی برای حزب، بستر جذب و پرورش افراد، شاخک های استخباراتی در زیر نام دیگری، تشخیص دشمنان بالقوه و ..." به اصطلاح اتحادیه های صنفی و قومی عرض اندام می نمایند. اتحادیه هائی از قماش "اتحادیه کارگران، اتحادیه دهقانان، سازمان زنان، اتحادیه نویسندگان، اتحادیه هنرمندان، اتحادیه ژورنالیستان، اتحادیه معلمان و ..." که در زمان حاکمیت آن حزب مزدور و میهن فروش در هر گوشه و کنار افغانستان در چوکات "حدخا" و تحت اداره مستقیم "خاد" و "ک.گ.ب. سمارق وار عرض اندام می نمود و به هزاران کارمند، کارگر، معلم و متعلم را در خود جای می داد، اگر در آن زمان استفاده هائی را که در بالا تذکار یافت، از آنها صورت می گرفت، بعد از ختم حاکمیت مستقیم مزدوران روس و به دنبال ریزش ها و برش های اولی به خصوص در خارج از افغانستان سخت مورد توجه رهبران حزبی و کادر های دست اول "حدخا" قرار گرفتند.

بدان معنا، که هر چند نفری از احاد "حدخا" و قتی در جایی خود را مصون احساس نمودند، از آن جایی که در ابتداء جرأت آن را نداشتند تا دم از احیاء و دوباره سازی حزب شان که از سر تا به پا در جنایت و خیانت غرق است، بزنند بسیار آگاهانه و هدف مند به فکر احیاء اتحادیه های قبلی افتادند.

اگر از جانبی آنها با این ترفند قادر شدند تقریباً بیشترین بخش از اعضاء و هواداران "حدخا" را در زیر سقف های متفاوت جمع نمایند و در ظاهر با حرکت از پیشبرد یک امر صنفی، خود را به امر سیاست بیگانه نشان دهند، از جانب دیگر مردم عادی و به گفته همکار گرانقدر ما آقای "عزیز"، "لوده های سیاسی" نیز گوسفند وار به این دام پا گذاشته نه تنها خود هیچ گونه تلاشی به خاطر رهائی از چنین بند نفرت انگیزی نشان ندادند، بلکه مخالفان را نیز زیر نام "برخورد انتقام جویانه سیاسی" به باد انتقاد گرفته در عمل با جنایتکاران و خاینان "حدخا" در زیر یک چتر قرار گرفتند.

آن اتحادیه ها که در آغاز سیاست "اجتناب از فعالیت سیاسی" را تبلیغ می نمودند با گذشت زمان و با سوء استفاده از ساده لوحی برخی از شبه روشنفکران، آن سیاست را به سیاست ضدیت با عناصر آگاه و متعهد جامعه تغییر داده کوشش به عمل آوردند تا به دوام نیات و اهداف رهبران "حدخا" که قلع و قمع تمام وطنپرستان بود، اینها نیز با دیده درائی و با صغرا کبرا چیدن های مسخره، لبه تیغ مبارزه شان را علیه فرزندان اصیل این کشور متوجه سازند. در نتیجه اتحادیه بازی ها اگر از جانبی بهانه ایست به خاطر پیشبرد کار های حزبی خودشان از طرف دیگر، گلوله ایست که از آن سنگر علیه مبارزان و عناصر ملی و انقلابی آتش می گردد.

ب- سایت های انترنیتی مشکوک:

در کنار ده ها سایت انترنیتی که افراد "حدخا" تا حدودی به صورت علنی و با نام و هویت مشخص به دفاع از گذشته ننگین شان باز نموده اند، هستند تعداد دیگری از سایت ها که در ظاهر "جانماز آب" کشیده و با هزار آیت و حدیث می کوشند تا خود را به علاوه مستقل بودن دشمن "حدخا" نیز معرفی نمایند.

این سایت ها که به صورت عمده از "خاوران" شروع و به "افغان جرمن" می رسد با تمام تلاش هائی که در ابتداء به خرج دادند تا بین خود و نوکران روس یک فاصله خیالی را ترسیم نمایند، مگر در عمل و با تشدید مبارزه هویت اصلی شان را آشکار نموده، "پرچمی زادگان رسوا" در عمل به اثبات رسانیدند که در پروئی نه تنها دست کمی از پدران واقعی خویش ندارند بلکه در برخی موارد دستان آنها را از پشت نیز بسته اند. برای اثبات این ادعای ما یک نظر اجمالی به لست نویسندگان این "کمیته های حزبی" می تواند بزرگترین و موثق ترین سند باشد.

چنانچه اگر در یک جا دستگیر "پنجشیری ها" میدان داری می نماید در جای دیگر "ودان ها"، "جانماز" ها، "سیستانی ها" و ده ها و ظن فروش دیگر خویش را پنهان نموده از آنجا کین و نفرت خویش را علیه فرزندان صدیق مردم و کشور دربند ما ابراز می دارند.

گذشته از آنها، تعداد دیگری از سایت ها نیز وجود دارند، که "کسادی بازار" نشراتی خویش را با راه دادن مزدوران روس می خواهند جبران نمایند. هرچند در مورد این بخش از سایت ها باید اندکی با احتیاط برخورد نمود. زیرا آنها نه تنها دروازه های سایت خویش را بر روی عناصر خلقی و پرچمی باز می گذارند بلکه در عمل خود به مثابه بخشی از نشرات منوط به اداره مستعمراتی کابل و مکمل الکترونیک آن عمل نموده در بسا موارد حیثیت سخنگوی "اسپنتا" ها را نیز به عهده می گیرند.

وقتی از این منظر به عملکرد چنین سایت هائی نظر انداخته شود، متوجه می شویم که سرشت مشترک – نوکری روس و نوکری امریکا-، نوکران متجاوزان متعدد را به همسوئی و همکاری کشانده، چنان سایت هائی را می توان با بسیار صراحت با سایت های "حدخا" یکسان دانست.

قضیه زمانی تأسف آور و دردانگیز می گردد که یک عده از افراد ضد اشغال می خواهند همچو نهاد های وابسته به امپریالیسم اشغالگر را تربیون تبلیغات خویش گردانیده، نا آگاهانه با اعتبار دادن به سایت های وابسته به امپریالیسم، در خدمت امپریالیسم قرار می گیرند. – به این بحث باز خواهیم گشت.

پ – برخورد های عاطفی مردم نا آگاه:

یکی از زمینه های دیگری که برای "حدخا" امکان بازسازی مجدد را فراهم نموده و همه روزه می نماید، برخورد های عاطفی و "خیره خیره" گفتن های آن عده از مردمیست که یا با تأسف بضاعت آنها از خرد اجتماعی، از انسانهای میمون نما فزونی ندارد و یا هم خود ریگی در کفش داشته در پناه هر "خیر است"، "گذشته را صلوات" و امثالهم می خواهند ماهیت و هویت یک وطنفروش "حدخا" را پنهان نماید.

این برخورد های عاطفی می تواند اشکال گوناگون داشته باشد، به صورت مثال:

- شرکت در غم و شادی افراد منوط به "حدخا" زیر نام "هرچه نباشد افغان هستند"

- آنها را به محافل شادی و غم خویش دعوت نمودن

- رفت و آمد های خانوادگی و منطقه ئی را به وجود آوردن

- از افشای بی دریغ آنها طفره رفتن

- در مقابل بقایای آنها بدون حساسیت برخورد نمودن

- هر جلسه و مذاکره ای را به محاکمه آنها تبدیل نکردن

- با ادعای "اعاده حق دموکراتیک" به آنها فرصت زهر پراگنی دادن

- نوعی از بی تفاوتی را در مقابل آنها دامن زدن

- جنایات آنها را در یک مقایسه مع الفارق با منادیان اسلام سیاسی بی ارزش نشان دادن

و صد ها مورد از برخورد های غیر مسؤولانه خود مردم ماست که به مزدوران روس امکان بازسازی آن گروه خونریز و میهن فروش را مساعد می نماید.

در همین جا بلافاصله باید افزود که اگر در نزد کس و یا کسانی باور به اصل محکومیت "سبب گناه" و "مسبب سبب گناه" وجود داشته باشد، نباید فراموش نمایند که با هر گذشت و انعطافی که از خود مقابل "حدخا" نشان می دهند در واقع به دست خود خشتی از یک دیواری را بلند می برند که در نهایت بر روی مردم خواهد ریخت. و به مثابه "مسبب سبب گناه" در پیشگاه خلق و تاریخ باید از آن عملکرد خویش پاسخگو باشند.

ادامه دارد